

بررسی مسائل و مشکلات تولید پنبه در ایران

مقدمه:

پنبه یکی از عمده محصولات کشاورزی پردرآمد در کشورهای جهان سوم می باشد و در متجاوز از یکصد کشور جهان - که بیشتر از دو سوم آن کشورهای روبه رشد می باشند - کشت می شود. زندگی حدود ۱۸۰ میلیون نفر مرد و زن و وابستگان آنها در کشورهای جهان سوم، به تولید پنبه وابسته است.^۱

کشت پنبه که از دیرباز در ایران رایج بوده، بعد از گندم، جو و برنج، بیشترین میزان زمینهای زیرکشت را بخود اختصاص می دهد. در کشور ما، شمار افرادی که در ارتباط با کشت پنبه و صنایع وابسته به آن سرگرم کارند، به حداقل دو میلیون^۲ نفر بالغ می شود و اگر آمار مربوط به شاغلان بخش حمل و نقل پنبه و صنف دوزنده را نیز بدان بیفزائیم، میزان اشتغالی که از این محصول کشاورزی - صنعتی ناشی می شود، از حد مزبور نیز فراتر خواهد رفت.

در این مقاله، پس از مروری به تاریخچه کشت پنبه در ایران و جهان، مسائل و مشکلات تولید پنبه در ایران، از جهات مختلف مورد بررسی و تدقیق قرار می گیرد.

(1): The International Institute for Cotton, *The Importance of Cotton to the Developing World* (Belgium: IIC, n.d.), p.1.

۲. سمینار پنبه کشور، نقش پنبه در اقتصاد کشور و بررسی مسائل آن (گرگان، سازمان پنبه و دانه های روغنی ایران، ۲۷-۲۹ بهمن ۱۳۶۷)، ص ۳۵.

تاریخچه کشت و تولید پنبه:

اصل و منشأ گیاه پنبه بخوبی معلوم نیست و در تمام قاره‌ها از انواع مختلف آن یافت می‌شود. ابتدائی‌ترین نوع پنبه «Gospum Herbaceum» می‌باشد که در آفریقای جنوبی بصورت گیاه دائمی و خودرو دیده شده و بذر آن توسط مهاجرین به دیگر نقاط انتقال یافته و مورد استفاده قرار گرفته است.

کلیه پنبه‌هایی که در دنیا کشت می‌شوند، از دو دسته متمایز: «پنبه‌های دنیای قدیم یا پنبه آسیائی» و «پنبه‌های قاره جدید یا پنبه آمریکائی» می‌باشند.

پنبه‌های «Upland» که کشت و کار آن گسترش جهانی یافته، از پنبه‌های دنیای جدید هستند که در مکزیک به وجود آمده و ترکیبی از پنبه‌های مکزیک و آمریکای جنوبی می‌باشند.

در ایران، در دوره هخامنشی، کشت و کار انواع پنبه آسیائی مرسوم بوده است. در نوشته‌های بعد از اسلام، از مزارع پنبه در ساوه و شوشتر و وضع مالیات بر آنها نام برده شده است. انواع پنبه‌های عصر جدید، در زمان صدارت میرزا تقی‌خان امیرکبیر (۱۲۳۰ ه. ش.) به ایران آورده شد، ولی زراعت آن عملاً در سال ۱۳۰۲ ه. ش. در جویبار و کیا کلا مازندران با کاشت انواع

بذور پنبه مصری و آمریکائی آغاز شد. مع الوصف، تا سال ۱۳۰۸ ه. ش.، اکثر تولید پنبه در ایران به پنبه بومی محدود می‌شد.

انواع مختلف پنبه که امروزه در ایران موجود است، از دو گروه مختلف می‌باشند:

۱. پنبه‌های بومی که از گروه پنبه‌های آسیائی هستند و در نقاط مختلف کشور (از جمله خراسان، یزد، کرمان، اصفهان و مازندران) کشت می‌شوند. از میان پنبه‌های بومی که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، پنبه بومی «آریا» بهترین شناخته شده است.

۲. نژادهائی که از خارج به کشور وارد شده و پس از آزمایش نتیجه خوبی داشته و در نقاطی از کشور، کشت و کار آنها مرسوم گردیده و توسعه یافته است. از میان نژادهای اصلاح شده منتخب در کشور، می‌توان نژادهای «ساحل» و «ورامین» را نام برد که در نواحی کردکوی و گرگان و سایر نواحی استان مازندران از بذر ساحل و در سایر نقاط کشور - غیر از فارس - از بذر ورامین کشت می‌شود. برای فارس، نژاد «Akala 1517C» توصیه شده است.

اهمیت اقتصادی پنبه:

اصولاً از زمانی که بشر گیاه پنبه را شناخت و به کیفیت آن پی برد، در تهیه نخ و لباس از آن بهره گرفت. پنبه از حدود پنجاه

۱۰ کیلوگرم لینتر جین، ۴۱ کیلوگرم لینتر روغنکشی، ۸۵ کیلوگرم روغن خوراکی، ۱۲ کیلوگرم روغن صابون، ۲۴۶ کیلوگرم کنجاله، ۱۵۸ کیلوگرم پوسته پنبه دانه و سرانجام ۱۴۳ کیلوگرم جلوجین، زیرجین و مواد خارجی بدست می آید.^۲

نقش پنبه در اقتصاد کشور، از جهت تولید ملی نیز قابل تأمل است. ارزش وش تولیدی کشور در دوره بهره برداری ۱۳۶۷ - ۱۳۶۸ (محصول سال زراعی ۱۳۶۷) حدود ۸۳/۲ میلیارد ریال و همچنین ارزش پنبه محلولج و پنبه دانه و لینتر حاصل از تصفیه وش در کارخانه های پنبه پاک کنی کشور، بترتیب حدود ۷۵/۸، ۱۴/۳ و ۱/۲ میلیارد ریال برآورد می گردد.^۳

از دیگر جهات نقش اشتغال زائی پنبه نیز در اقتصاد کشور مهم می باشد. پنبه، به دلیل طولانی بودن دوره زراعت و برداشت آن که معمولاً بین ۸ تا ۹ ماه - از مرحله تهیه و آماده نمودن زمین برای کشت لغایت آخرین برداشت آن - بطول می انجامد، یکی از مهمترین و اشتغال زاترین محصولات کشاورزی بشمار می رود. براساس آمارهای جاری، هر ساله بطور متوسط در سطحی

قرن پیش تا کنون برای تهیه منسوجات بکار می رفته و با پیشرفت بشر و بروز نوآوریها طی قرون متمادی، موارد مصرف آن تنوع یافته است. در صنعت نساجی و پوشاک در قرن بیستم، الیاف پنبه ای همواره بیشترین سهم را در میان مصرف سایر الیاف طبیعی و مصنوعی دارا بوده است بطوریکه براساس آخرین نتایج، سهم مصرف سرانه پنبه از میان کل الیاف طبیعی و مصنوعی مورد مصرف در جهان، حدود ۵۰ درصد می باشد.^۱

از محصولات جنبی پنبه که ارزش اقتصادی آن کمتر از پنبه نیست، در گذشته قریب به یقین استفاده نمی شده و یا استفاده از آن بصورت امروزی نبوده است. آنچنانکه، در حال حاضر از پنبه علاوه بر تهیه نخ و منسوجات، از پنبه دانه آن نیز در استحصال روغن خام خوراکی، صابون، کنجاله و از بوتله پنبه در صنعت چوب پنبه سازی و تهیه تخته خرده چوب (نئوپان)، استفاده بعمل می آید.

در ازای هر تن وش پنبه - که به خودی خود قابلیت مصرف نداشته و باید در کارخانه های پنبه پاک کنی، الیاف آن از دانه جدا گردد - ۳۰۵ کیلوگرم الیاف پنبه،

۱. مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، بازار جهانی منسوجات (تهران: مؤسسه مطالعات و

پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۶۶)، ص ۱۲۵.

۲. سمینار پنبه کشور، پیشین، ص ۲.

۳. همان، ص ۳۴.

تعداد مزد و حقوق‌بگیران و ارزش افزوده‌ای حدود ۱۹/۴ درصد، بالاترین سهم را در تولیدات صنعتی کشور در سال ۱۳۶۵ به خود اختصاص داده بود.^۳

ایجاد اشتغال در امور حمل و نقل پنبه، شامل مراحل انتقال و ش پنبه از بیش از ۷۰ هزار واحد زراعی به کارخانه‌های پنبه پاک کنی و سپس حمل پنبه محلول و پنبه دانه استحصالی به واحدهای ریسندگی و روغنکشی و همچنین انتقال سایر تولیدات جنبی نیز غیرقابل انکار است.

بررسی علل نوسانات سطح زیرکشت و تولید پنبه در کشور طی سالهای ۱۳۶۰ - ۱۳۶۸:

پس از نزول سطح زیر کشت و تولید پنبه کشور در سال ۱۳۵۹ - که پائین‌ترین حد

معادل ۲۰۰ هزار هکتار، حدود ۷۲ هزار کشاورز پنبه کار به این امر اشتغال دارند و بطور کلی جزویکی از زراعتهای کاربر در ایران می‌باشد. در سال زراعی ۱۳۶۶ - ۱۳۶۷، حدود ۲۸/۵ درصد از هزینه تولید و ش را هزینه کارگری تشکیل داده است.^۱

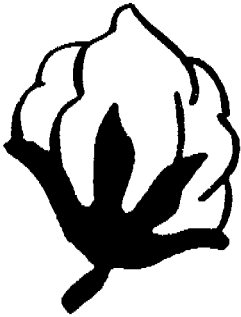
علاوه بر اشتغال زائی پنبه در مرحله زراعت، در مراحل تصفیه و ش، روغنکشی از پنبه دانه‌های تولیدی، صنعت نساجی و بافندگی (شامل واحدهای ریسندگی، بافندگی، کشافی، فرش ماشینی، پتوبافی، جوراب بافی، حوله بافی، برزنت بافی، کارگاههای بافندگی دستی، کارگاههای فرش دستباف و بالاخره تولید پنبه هیدروفیل) نیز تعداد بیشماری به کار اشتغال دارند.^۲

براساس آخرین آمار منتشره از سوی مرکز آمار ایران^۳، صنایع نساجی و پوشاک با حدود ۱۵/۱ درصد از کل تعداد کارگاههای بزرگ صنعتی کشور و ۲۲/۶ درصد از کل

۱. همان، ص ۳۵.

۲. شامل ۹۵ واحد پنبه پاک کنی با ظرفیت اسمی - تصفیه حدود ۷۰۰ هزار تن و ش در سال، ۲۳ واحد روغنکشی با ظرفیت اسمی ۴۸۳ هزار تن روغن نباتی در سال، ۸۰ واحد نساجی پنبه‌ای با ۱۴۰۰ هزار دوک ریسندگی و ۳۳ هزار ماشین بافندگی، ۹۰۷ واحد کشافی پودی، ۶۰ هزار دستگاه بافندگی دستی، ۸۰۰ کارگاه کوچک بافندگی، ۱۳ واحد تولید فرش ماشینی، ۳۷ واحد پتوبافی، ۳۰۰ واحد جوراب بافی، ۶ واحد حوله بافی، ۲ واحد برزنت بافی، تعداد بیشماری کارگاه قالببافی و همچنین چند واحد تولید پنبه هیدروفیل.

۳. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سال ۱۳۶۶ کشور (تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۶۷).



طی چهل سال گذشته بود^۱ - از سال ۱۳۶۰ مجدداً سیر صعودی طی نمود. روند مذکور همراه با نوساناتی در برخی از سالها همچنان ادامه یافت و به ۲۲۷ هزار هکتار در سال ۱۳۶۸ رسید (برآورد وش تولیدی در سال ۱۳۶۸ حدود ۳۹۰ هزار تن و پنبه محلولج استحصالی حدود ۱۱۷ هزار تن می باشد.) علت عمده کاهش بیش از حد عملکرد محصول، عدم ریزش باران و خشکی فوق العاده هوا در ماههای داشت محصول می باشد که سبب شد تا راندمان تولید وش

اصلاح شده کشور - علی رغم ۱۸ درصد افزایش در سطح زیرکشت آن نسبت به سال ۱۳۶۷ - حدود ۱۵ درصد نسبت به رقم رکورد گونه سال قبل، نقصان و به حدود ۱۷۲۰ کیلوگرم^۲ در هکتار برسد.

همانطوریکه در جدول پیوست ملاحظه می شود، شاخص سطح زیرکشت در سالهای ۱۳۶۲، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵ و ۱۳۶۷ نزولی است که ذیلاً اهم مسائل و مشکلات ناشی از این امر، بطور اجمال مورد بررسی قرار می گیرد:

۱. سطح زیر کشت و تولید پنبه در سال ۱۳۵۹ به ترتیب برابر ۱۴۵ هزار هکتار و ۵۷ هزار تن بوده است. بالاترین میزان سطح زیر کشت و تولید سالهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مربوط به سال ۱۳۵۳ می باشد که به ترتیب ۳۶۹ هزار هکتار و ۲۳۷ هزار تن بوده است.

۲. سازمان پنبه و دانه های روغنی ایران، گزارش وضع عمومی پنبه کشور در مهرماه ۱۳۶۸ (گزرگان: سازمان پنبه و دانه های روغنی ایران، بی تا)، ص ۱.

۱. مشخص نبودن وضعیت مالکیت اراضی مزروعی:

عدم تعیین تکلیف قطعی وضعیت مالکیت اراضی مزروعی پنبه یکی از معضلات مهم و مؤثر در نوسانات سطح زیر کشت پنبه است. ادامه این وضع سبب شده است که سطوح وسیعی از اراضی مستعد کشاورزی، بدون آنکه به زیر کشت محصولات اساسی برده شوند، بلااستفاده مانده و کاهش سطح زیر کشت را بدنبال داشته باشند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و از هم پاشیدگی بزرگ زمینداری و سیستم فئودالی، متصرفین اراضی خلع ید شده، بدلیل نامشخص بودن وضع اراضی تصرفی تمایلی به سرمایه گذاری در اینگونه اراضی مزروعی از خود نشان نمی دهند. همچنین، تعداد زیادی از زمینهای سازمانهای زراعی سابق - که از اراضی خوب و حاصلخیز مناطق مستعد کشت پنبه می باشند و در اختیار شورای کشت و هیت واگذاری زمین قرار دارند - بطور یکساله برای کشت واگذار می شوند که این امر مانع از سرمایه گذاری و اعمال مدیریت صحیح در جهت بهره برداری بهتر در اینگونه اراضی می شود. لذا در اکثر اراضی شورائی،

راندمان تولید پائین است و نسبت به کشت محصولاتی نظیر پنبه که هزینه زیادی در بردارد، رغبت چندانی نشان داده نمی شود.

۲. وجود عدم تعادل بین قیمت پنبه و سایر محصولات کشاورزی:

افزایش سریع تقاضا برای محصولات کشاورزی با توجه به رشد سریع جمعیت، شاخص قیمت محصولات کشاورزی را نسبت به سطح عمومی قیمتها افزایش داده است^۱. از طرفی تشبیت قیمت برخی از محصولات عمده کشاورزی باعث شده، مکانیسم قیمت با توجه به اختلافهای موجود در بازار کالاها و عوامل، به نفع تخصیص عوامل برای تولید کالاهای کشاورزی غیراساسی سوق داده شود. از این روی، افزایش بی رویه و ناهمگون قیمت محصولات کشاورزی رقیب پنبه، کشاورز پنبه کار را از کشت پنبه - که اصولاً به دلیل طولانی بودن دوره کاشت، داشت و برداشت، کشت دوم در همان زمین، به جهات عدیده میسر نیست - منصرف و به کشت محصولاتی با درآمد بیشتر و می دارد. در بسیاری از موارد مشاهده گردیده، در مناطق مستعد گرگان و گنبد و مازندران - که از مناطق مهم پنبه خیز کشور بشمار می روند - کشاورزان پنبه کار

۱. وزارت برنامه و بودجه، لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ا. (۱۳۶۸ - ۱۳۷۲)، پیوست شماره ۱ (تهران: وزارت برنامه و بودجه، مرداد ۱۳۶۸)، ص ۷-۴.

تغییر کشت داده و به زراعت گندم پاییزه و پس از برداشت آن در اواخر بهار به زراعت‌های تابستانه از قبیل سویا، ذرت و نباتات جالیزی مبادرت می‌ورزند. افزایش بی‌رویه قیمت برنج نیز باعث شده که اراضی زیادی در مناطق مستعد کشت پنبه، به کشت برنج اختصاص یابند.

بررسی‌های بعمل آمده^۱ حاکی از آن است که یک هکتار پنبه کاری در سال ۱۳۶۷ حدود ۴۶۰ هزار ریال هزینه در برداشته که با توجه به قیمت فروش یک کیلو «وش رقم یک» به ۲۳۱ ریال در سال مذکور، عملاً سودی نصیب کشاورز پنبه کار نشده است. بنابراین، کشاورز پنبه کار بناچار به منظور کسب عایدات بیشتر، محصول خود را در اختیار چین‌های دستی غیرمجاز قرار می‌دهد که ضربه‌های جبران‌ناپذیر آن متوجه صنایع نساجی کشور می‌شود. زیرا تصفیه وش پنبه با چین‌های دستی غیرمجاز— که بصورت سیار در مناطق پنبه‌خیز به فعالیت مشغولند— باعث کوتاه شدن تارهای بلند الیاف پنبه‌ای می‌شود و تارهای بلند را که در تهیه نخ‌های ظریف مورد استفاده صنایع نساجی قرار می‌گیرند، نابود می‌سازد. پنبه‌دانه‌های تولیدی در چین‌های دستی غیرمجاز نیز قابل استفاده در

صنایع روغنکشی نبوده و عمدتاً به مصرف خوراک دام می‌رسند.

لازم به توضیح است که عامل مؤثر در افزایش هزینه تولید، هزینه‌های بالاسری است که عمدتاً به اجاره‌بهای زمین مربوط می‌شود که در سالهای اخیر از افزایش چشمگیری برخوردار بوده است، بطوریکه از رقم ۸۰ هزار ریال در سال ۱۳۶۳ (حدود ۲۸ درصد هزینه تولید) به ۲۰۰ هزار ریال در سال ۱۳۶۷ (حدود ۴۳/۳ درصد هزینه تولید)، یعنی ۱۵۰ درصد، افزایش یافته است. در حالیکه، طبق گزارش کمیته بین‌المللی مشورتی پنبه (اکتبر ۱۹۸۸) در متوسط سه ساله ۱۹۸۴-۱۹۸۷، هزینه زمین در کشور استرالیا حدود ۱/۵ درصد، در آمریکا حدود ۱۲ درصد و در سوریه حدود ۱۸ درصد از کل هزینه‌های تولید را تشکیل می‌داده است.^۲

۳. عدم تأمین و توزیع به موقع نهاده‌های کشاورزی:

عدم تأمین و توزیع به موقع نهاده‌ها با کیفیت و کمیت مناسب و همچنین نایابی و کمیابی و گرانی لوازم و ادوات کشاورزی متناسب با نیاز کشاورزان از دیگر مسائل و مشکلات عمده کشاورزان پنبه کار

۱. سمینار پنبه کشور، پیشین، ص ۴۶.

۲. همان، ص ۴۲.

آبیاری نیز به علت مضیق‌های ارزی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است در نتیجه کشاورزان جهت تهیه آنها ناچارند به بازار آزاد روی آورند که هزینه تولید را تا چندین برابر میزان واقعی آن افزایش می‌دهد.

با عنایت به این امر که یکی از راههای افزایش تولید محصول در واحد سطح و کاهش هزینه تولید، استفاده از نژادهای اصلاح شده جدید و روشهای مکانیزاسیون در مراحل مختلف کاشت، داشت و برداشت پنبه می‌باشد، سرمایه‌گذاری دولت در این بخش — به منظور افزایش تولید ملی — دارای توجیهی اقتصادی خواهد بود. اگر چه در دهه گذشته روند جایگزینی نیروی مکانیکی به جای نیروی انسانی استمرار یافته اما با اینحال، به دلایل عدیده از جمله پراکندگی اراضی مزروعی، کمبود لوازم یدکی و تعمیرگاهها، عدم تناسب تعداد تراکتور و دیگر عوامل، حداکثر نصف میزان نیروی مکانیکی موجود در خدمت کشاورزی کشور قرار گرفته است.

۴. تزلزل در برنامه‌ریزی و نظام بهره‌برداری کشت مناسب:

تدوین نظام کشت در سطح کشور و اجرای آن، از جمله مسائلی است که باید در جهت حصول به اهداف برنامه اول توسعه

می‌باشد. این بخش از مشکلات حدود ۱۲ درصد از کل هزینه تولید و ش را در سال ۱۳۶۷ شامل می‌شده است^۱. علی‌رغم تلاشهای دولت از سال ۱۳۶۰ به منظور افزایش تولید پنبه که با تقبل هزینه‌های سنگین و اقدامات حمایتی متعددی (تظیر تعیین نرخ تضمینی خرید و ش، تحویل ۴۰ کیلوگرم بذر پنبه و ۱۵۰ کیلوگرم کود شیمیائی بطور رایگان درازای تحویل هر تن و ش به کارخانه‌های مجاز پنبه پاک کنی و حداکثر سه نوبت سموم دفع آفات، اختصاص ۲ ریال در مقابل هر کیلوگرم و ش تحویلی به عنوان ارائه خدمات، اعطای وام قرض الحسنه به میزان ۵۰ هزار ریال برای هر هکتار کشت پنبه، پرداخت ۸۰ درصد حق بیمه مزارع پنبه، تحویل ۴/۵ کیلوگرم روغن نباتی به نرخ صنفی — صنعتی و برای سال زراعی ۱۳۶۸ تحویل ۱۰۰ کیلوگرم کنجاله به ازای هر تن و ش تحویلی) همراه بود، ولی عدم تأمین و توزیع به موقع آنها و افزایش روزافزون هزینه تولید، مشکلاتی را برای زارعین به بار می‌آورد. در برخی از مواقع نیز کشاورزان ناچار به تهیه مقدار بیشتری از نهاده‌ها از بازار آزاد می‌گردند که این امر افزایش هزینه تولید را در بر دارد.

تأمین ماشین‌آلات کشاورزی، قطعات یدکی ماشین‌آلات مذکور و تأمین تجهیزات

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه کافی قرار گیرد. شرایط خاص اقلیمی هر منطقه از کشور، زراعت محصول خاصی را ایجاب می نماید. نواحی گرگان و گنبد و مازندران - که مستعد کشت پنبه بوده و حدود $\frac{2}{3}$ از پنبه اصلاح شده در این مناطق تولید می شود - به لحاظ عدم اجرای نظام کشت در کشور، به کشت سایر محصولات که از نظر درآمد برای زارعین پرمنفعت تر است، اختصاص یافته اند. برای مثال در دشت گرگان و گنبد کشت پنبه بومی - که وش حاصل از آن در بازار آزاد به قیمت بالاتری از پنبه اصلاح شده خرید و فروش می شود - رواج بیشتری دارد. پنبه مخلوج حاصل از واریته مذکور در کارخانه های نساجی قابل استفاده نمی باشد. پنبه دانه حاصل از تصفیه واریته بومی نیز توسط چین های دستی غیرمجاز با قیمتی حدود $\frac{1}{5}$ تا ۲ برابر قیمت پنبه دانه واریته اصلاح شده به دامداران فروخته می شود. بنابراین، سازماندهی نظام بهره برداری مناسب و تهیه الگوی کشت مناسب مناطق و اصولاً منطقه ای کردن کشت، بنحویکه بتوان در لوای آن از آب، خاک و تکنولوژی به شکل متعادل بهره گرفت، ضرورت دارد.

۵. فقر بنیه مالی کشاورزان و کاهش سرمایه گذاری در زراعت پنبه:

طی سالهای اخیر، جمعیت شاغل در بخش کشاورزی کاهش یافته، بطوریکه نسبت شاغلین بخش کشاورزی به کل شاغلین روستا از حدود ۶۷ درصد در سال ۱۳۵۵ به حدود ۶۴ درصد در سال ۱۳۶۵ تنزل یافته است^۱. یکی از عوامل مهم این کاهش - باتوجه به سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی - کاهش درآمد سرانه ناخالص شاغلین این بخش نسبت به متوسط درآمد سرانه ناخالص شاغلین کل کشور است. این امر از موانع مهم تشکیل پس انداز در خانوارهای کشاورز و از دلایل پائین بودن نرخ سرمایه گذاری و نیز عدم امکان بهبود شیوه های کشت و بهینه کردن تولید در واحدهای بهره برداری دهقانی در کشاورزی کشور است. این مسئله بخصوص در مورد کشت و کار پنبه بخوبی صدق می کند، زیرا از جمله زراعت هایی است که مراحل کاشت، داشت و برداشت آن احتیاج به سرمایه گذاری قابل ملاحظه ای دارد.

۶. نارسائیهای ساختاری در توزیع پنبه: بخش عمده ای از نوسانات سطح زیر

۱. وزارت برنامه و بودجه، پیشین، ص ۳-۴.

کشت و مالا تولید پنبه متأثر از بازار و بازرگانی پنبه می باشد. تا قبل از نیمه دوم سال ۱۳۵۹، قیمت وش متأثر از قیمت پنبه دانه و پنبه محلوج بود که قیمت پنبه دانه توسط شورای عالی دانه های روغنی و قیمت پنبه محلوج توسط بازار— که در حقیقت صادرکنندگان پنبه بودند— و براساس نرخ پنبه در بازارهای بین المللی تعیین و اعمال می گردید. در دیماه سال ۱۳۵۹، با تقلیل فوق العاده سطح زیر کشت و تولید پنبه، به منظور جلوگیری از احتکار پنبه و افزایش بی رویه قیمت آن، با تصویب ستاد بسیج اقتصادی کشور، توزیع پنبه بر اساس قیمت های تثبیتی زیر نظر کمیته تأمین و توزیع پنبه کشور قرار گرفت که این روش تا سال ۱۳۶۴ ادامه داشت. در سیستم مذکور، با توجه به مقدار تولید پنبه در کشور، ظرفیت و نیاز کارخانه های ریسندگی و دیگر واحدهای مصرف کننده پنبه محلوج، حواله خرید پنبه از کارخانه های پنبه پاک کنی صادر می شد.

رکود نسبی حاکم بر بازار منسوجات و فرش و افزایش تولید و عرضه الیاف مصنوعی و نخ حاصل از آن به قیمت هایی کمتر از پنبه و نخ پنبه ای و مشکلاتی از این قبیل در زمینه بازار فروش محصول وش پنبه کاران و پنبه

محلوج در سال ۱۳۶۳، کمیته تأمین و توزیع پنبه کشور را با مشکلات جدیدی در صدور حواله پنبه مواجه ساخت، بنحویکه حدود ۳۵ هزار تن پنبه محلوج دوره بهره برداری ۱۳۶۳—۱۳۶۴، بدون فروش ماند^۱ و سبب رکود بازار وش و پنبه گردید. عدم فروش و انتقال پنبه مذکور به دوره بهره برداری ۱۳۶۴—۱۳۶۵، نگرانی های زیادی را در خصوص بازار وش و پنبه دوره اخیر الذکر ایجاد نمود که با تصویب شورای عالی اقتصاد مبنی بر خرید پنبه سال زراعی ۱۳۶۴ توسط شرکت سهامی گسترش خدمات بازرگانی و توزیع آن بین کارخانه های ریسندگی و سایر واحدهای مصرف کننده پنبه محلوج، مرتفع گردید. اما، از آنجا که شرکت مزبور پنبه محلوج را با کسر ۴ درصد نسبت به قیمت های تثبیتی از کارخانه های پنبه پاک کنی طرف قرارداد خریداری و سپس با اضافه نمودن ۴ درصد به قیمت های تثبیتی آنرا به کارخانه های ریسندگی عرضه می نمود، این اقدام شرکت با مخالفت های روبرو گردید. بطوریکه در سال ۱۳۶۵، با عدم فروش پنبه محلوج استحصالی کارخانه های پنبه پاک کنی وابسته به سازمان صنایع ملی ایران و بنیاد مستضعفان به شرکت سهامی گسترش خدمات بازرگانی و همچنین عدم

۱. اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، «گزارشی از تولید و عرضه پنبه در دوره بهره برداری ۱۳۶۶—۱۳۶۷»، مجله اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، شماره ۸ (آبان ۱۳۶۸)، ص ۴۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تمایل تعدادی از کارخانه‌های ریسندگی به خرید پنبه از شرکت مزبور، مشکلات جدیدی در امر توزیع پنبه پدید آمد، که نهایتاً منجر به توقف کار کمیته تأمین و توزیع پنبه در آبانماه ۱۳۶۵ گردید.

بدنبال بروز مشکلات جدی در امر توزیع پنبه، از اول آذرماه سال ۱۳۶۵، مقرر گردید علاوه بر شرکت سهامی گسترش خدمات بازرگانی، بنیاد مستضعفان و سازمان صنایع ملی ایران نیز درحد مصارف صنعتی خود اقدام به خرید پنبه‌های استحصالی نمایند. همچنین، هیئتی پنج نفره با مسئولیت وزارت کشاورزی و متشکل از معاونین وزارتخانه‌های کشاورزی، صنایع و بازرگانی، مشاور نخست‌وزیر و سرپرست بنیاد مستضعفان، جهت بررسی مسائل مربوط به تولید، صادرات و مصرف و بازرگانی پنبه، تشکیل گردید.

در سال ۱۳۶۶، علی‌رغم تصمیمات هیئت بررسی مسائل پنبه کشور، خرید و تصفیه و ش تا مدتها از روال عادی برخوردار نبود و مآلاً وضعیت معاملات پنبه مبهم بود. تا اینکه طبق تصمیم مورخ ۱۳۶۶/۷/۲۶، کلیه خریدهای کارخانه‌های ریسندگی تحت پوشش بنیاد مستضعفان و سازمان صنایع ملی ایران، به شرطی که بیش از مصرف آنها نباشد، تا تاریخ مذکور به قوت خود باقی و بقیه پنبه می‌بایست در نواحی گرگان و گنبد و مازندران، منحصراً توسط

شرکت سهامی گسترش خدمات بازرگانی خریداری شود. در اجرای این دستورالعمل، حمل پنبه از استان مازندران کاملاً متوقف گردید. سپس با اقداماتی که در هفته اول آبانماه همان سال انجام پذیرفت، مقرر گردید که کارخانه‌های ریسندگی با مراجعه به شرکت مزبور و پرداخت ۲ درصد کارمزد به آن، اجازه حمل پنبه را دریافت می‌دارند.

در ابتدای سال ۱۳۶۷، معاملات و ش، پنبه و پنبه‌دانه، مشمول طرح تعزیرات اعلام گردید و همچنین، براساس دستورالعمل مورخ ۱۳۶۷/۷/۲۷، خرید و توزیع پنبه برای دوره مذکور تحت نظارت یک هیئت سه نفره، متشکل از نمایندگان تام‌الاختیار وزارتخانه‌های کشاورزی، بازرگانی و صنایع براساس سهمیه‌بندی وزارت صنایع قرار گرفت. متعاقب این دستورالعمل، کمیته توزیع پنبه در وزارت صنایع (اداره کل صنایع نساجی و پوشاک) تشکیل و آماده فعالیت گردید. در سال جاری نیز توزیع پنبه کماکان از طریق حواله‌های صادره توسط کمیته مستقر در اداره کل صنایع نساجی و پوشاک وزارت صنایع صورت می‌پذیرد.

مجموعه این مشکلات و نارسائیا و عدم برنامه‌ریزی اصولی در واردات منسوجات و الیاف مصنوعی، رکود بازار منسوجات تولید داخل و پنبه را سبب می‌شوند که نهایتاً کشاورز پنبه‌کار از تأثیر آن بی‌نصیب نخواهد ماند. کمااینکه، علی‌رغم پایان

دوره بهره‌برداری ۱۳۶۷-۱۳۶۸ و شروع دوره بهره‌برداری ۱۳۶۸-۱۳۶۹، هنوز حدود ۱۱ هزار تن پنبه در کارخانه‌های پنبه پاک کنی کشور باقیمانده است که بیانگر عدم نیاز کارخانه‌های ریسندگی به پنبه‌های مذکور می‌باشد^۱. و این درحالی است که به منظور افزایش ظرفیت تولیدی کارخانه‌های نساجی کشور، مجوز ورود ۲۰ هزار تن الیاف مصنوعی از سوی وزارت صنایع صادر گردیده است^۲.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها:

پنبه یکی از محصولات استراتژیک و بسیار مهم در کشور بشمار می‌رود که تولید آن ضمن رفع قسمتی از نیازهای اساسی جامعه، نقش مهمی را نیز در ایجاد اشتغال و درآمد برای طبقات وسیعی از اقشار مردم ایفا می‌نماید. بنابراین، ادامه فعالیت و بقای صنایع پنبه پاک کنی، روغنکشی، نساجی و دیگر صنایع وابسته، در گرو تولید پنبه می‌باشد. همچنین، پنبه یکی از اقلام مهم صادراتی بشمار می‌رود که به عنوان منبع درآمد ارزی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار

است. لذا، به منظور افزایش تولید این محصول بسیار مهم، مواردی بشرح ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱. هماهنگی در سیاستها و برنامه‌های تولید، توزیع و مصرف پنبه و فرآورده‌های آن در بخش‌های کشاورزی، صنعت و بازرگانی.

۲. تعیین تکلیف قطعی اراضی مزروعی - علی‌الخصوص پنبه - در جهت بهره‌برداری اقتصادی.

۳. تدوین نظام کشت به منظور بهره‌برداری صحیح و اقتصادی از آب، خاک و تکنولوژی، بشکلی متعادل.

۴. ایجاد تعادل بین قیمت پنبه و سایر محصولات کشاورزی، براساس هزینه‌های واقعی تولید.

۵. هماهنگی دستگاه‌های اجرائی ذی‌ربط در زمینه تهیه، تدارک و توزیع به موقع و صحیح نهاده‌های موردنیاز زراعت پنبه.

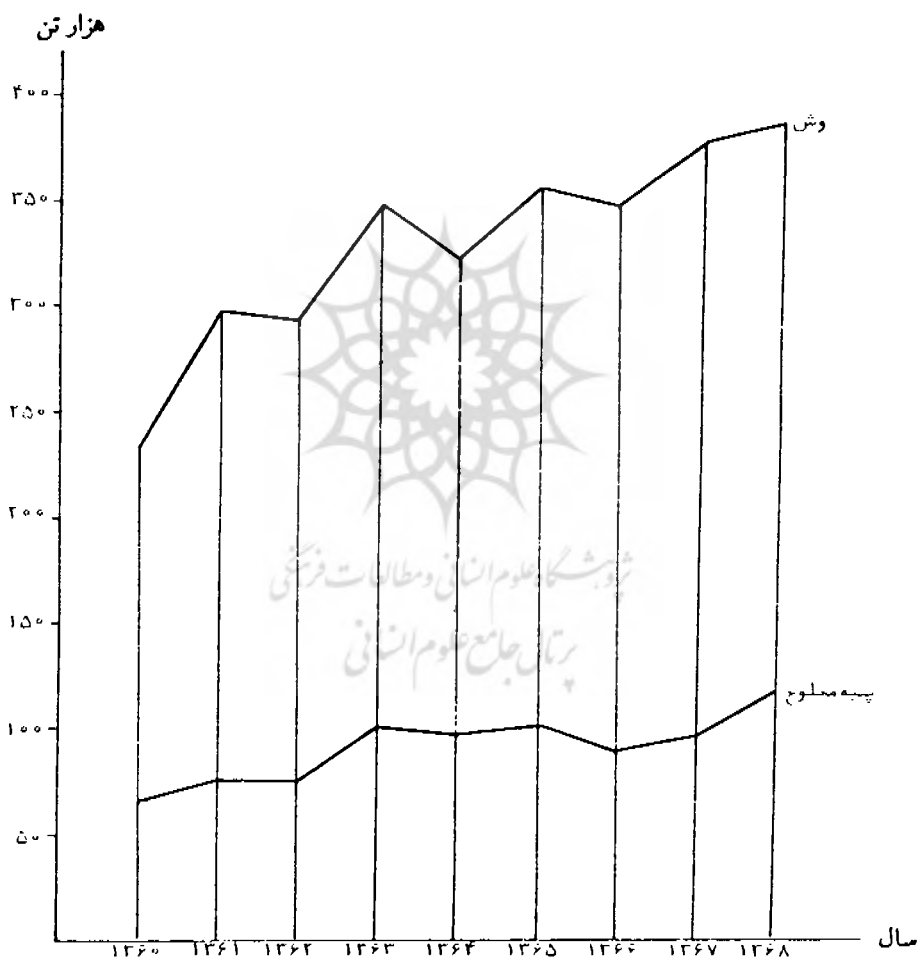
۶. سرمایه‌گذاری در جهت توسعه مکانیزاسیون زراعت پنبه.

۷. تقویت بنیه مالی کشاورزان در جهت افزایش سرمایه‌گذاری در این بخش از

۱. سازمان پنبه و دانه‌های روغنی ایران، گزارش وضع عمومی پنبه کشور در مردادماه ۱۳۶۸ (گرگان: سازمان پنبه و دانه‌های روغنی ایران، بی‌تا)، ص ۳.
۲. سندیکای صنایع نساجی پنبه‌ای و الیاف مصنوعی ایران، «تولید پارچه کشور به ۶۰۰ میلیون متر خواهد رسید»، بولتن صنایع نساجی ایران، شماره ۸۱، (آبانماه ۱۳۶۸)، ص ۶.

- زراعت.
۸. سرمایه گذاری و توجه بیشتر به امر تحقیقات و آموزش در بخش های زراعت و صنعت پنبه.
۹. کنترل واردات الیاف مصنوعی، نخ و منسوجات در جهت حمایت از زارعین پنبه کار.
۱۰. اقدام جدی در جهت جلوگیری از فعالیت جین های دستی غیرمجاز.

نمودار مقایسه وش و پنبه مخلوج تولیدی طی سالهای زراعی ۱۳۶۰ لغایت ۱۳۶۸



کل سطح زیر کشت، وش و پنبه محصول تولیدی طی سالهای ۱۳۶۰ لغایت ۱۳۶۸.

سال	سطح زیر کشت (هزار هکتار)	شاخص	وش تولیدی (هزار تن)	شاخص	پنبه محصول تولیدی (هزار تن)	شاخص
۱۳۶۰ ^(۱)	۱۹۴	۱۰۰	۲۲۴	۱۰۰	۵/۴	۱۰۰
۱۳۶۱ ^(۱)	۲۰۵	۱۰۶	۳۰۲	۱۲۹	۷۴	۱۱۶
۱۳۶۲ ^(۱)	۱۸۴	۹۵	۲۹۶	۱۲۶	۷۳	۱۱۴
۱۳۶۳ ^(۱)	۲۱۲	۱۰۹	۳۵۲	۱۵۰	۱۰۱	۱۵۸
۱۳۶۴ ^(۱)	۱۸۸	۹۷	۳۲۶	۱۳۹	۹۹	۱۵۵
۱۳۶۵ ^(۱)	۱۸۸	۹۷	۳۵۹	۱۵۳	۱۰۲	۱۵۹
۱۳۶۶ ^(۱)	۱۹۶	۱۰۱	۳۵۱	۱۵۰	۹۱	۱۴۲
۱۳۶۷	۱۹۲ ^(۲)	۹۹	۳۸۰ ^(۲)	۱۶۲	۹۸ ^(۳)	۱۵۳
۱۳۶۸ ^(۲)	۲۲۷	۱۱۷	۳۹۰	۱۶۷	۱۱۷	۱۸۳

مآخذ:

۱. سمینار پنبه کشور، نقش پنبه در اقتصاد کشور و بررسی مسائل آن (گرگان: سازمان پنبه و دانه‌های روغنی ایران، ۲۷-۲۹ بهمن ۱۳۶۷)، ص ۳۸.
۲. سازمان پنبه و دانه‌های روغنی ایران، گزارش وضع عمومی پنبه کشور در اسفندماه ۱۳۶۷ (گرگان: سازمان پنبه و دانه‌های روغنی ایران، بی تا)، ص ۱.
۳. سازمان پنبه و دانه‌های روغنی ایران، گزارش وضع عمومی پنبه کشور در مردادماه ۱۳۶۸ (گرگان: سازمان پنبه و دانه‌های روغنی ایران بی تا)، ص ۲.
۴. سازمان پنبه و دانه‌های روغنی ایران، گزارش وضع عمومی پنبه کشور در مهرماه ۱۳۶۸ (گرگان: سازمان پنبه و دانه‌های روغنی ایران بی تا)، ص ۱.

منابع و مآخذ

الف - فارسی

- سازمان پنبه و دانه‌های روغنی ایران، گزارش وضع عمومی پنبه کشور در اسفندماه ۱۳۶۷.
- گرگان: سازمان پنبه و دانه‌های روغنی ایران، بی‌تا.
- سازمان پنبه و دانه‌های روغنی ایران، گزارش وضع عمومی پنبه کشور در مردادماه ۱۳۶۸.
- گرگان: سازمان پنبه و دانه‌های روغنی ایران، بی‌تا.
- سازمان پنبه و دانه‌های روغنی ایران، گزارش وضع عمومی پنبه کشور در مهرماه ۱۳۶۸.
- گرگان: سازمان پنبه و دانه‌های روغنی ایران، بی‌تا.
- سمینار پنبه کشور. نقش پنبه در اقتصاد کشور و بررسی مسائل آن. گرگان: سازمان پنبه و دانه‌های روغنی ایران، ۲۷-۲۹ بهمن ۱۳۶۷.
- سندیکای صنایع نساجی پنبه‌ای و الیاف مصنوعی ایران. «تولید پارچه کشور به ۶۰۰ میلیون متر خواهد رسید». بولتن صنایع نساجی ایران، شماره ۸۱، آبان‌ماه ۱۳۶۸.
- مرکز آمار ایران. سالنامه آماری سال ۱۳۶۶ کشور. تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۶۷.
- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی. بازار جهانی منسوجات. تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۶۶.
- وزارت برنامه و بودجه. لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ا. (۱۳۶۸ - ۱۳۷۲)، پیوست شماره ۱. تهران: وزارت برنامه و بودجه، مرداد ۱۳۶۸.

ب - لاتین

- *: The International Institute for Cotton. *The Importance of Cotton to the Developing World*. Belgium: IIC, n.d..